

شیوه تعلیم و تربیت و نقش نهج البلاغه در آن

سمیه عزیزی^۱

چکیده

تعلیم و تربیت فرایند انتقال و تعمیق دانش‌ها و بینش‌ها، هدایت و تقویت گرایش‌ها و شکوفاسازی استعدادهاست. شیوه‌های تعلیم و تربیت مختلفی وجود دارد که از تکیه بر عقل و استفاده از روش‌های عقلانی در برخورد با امور تربیتی برخوردار است. نهج البلاغه نقش به‌سزایی در تعلیم و تربیت می‌تواند ایفا نماید و نقش محوری در تبیین اصول و روش‌های تربیتی دارد و گنجینه‌ای از معارف امام علی علیه السلام را در خود پنهان کرده است. در طول تاریخ جوامع انسانی همواره به دنبال یافتن بهترین شیوه‌ها برای تربیت نسل‌ها بوده‌اند تا بتوانند انسان‌هایی مسئولیت‌پذیر، آگاه و متعهد به ارزش‌های انسانی و الهی پرورش دهند. برای شناخت شیوه تعلیم و تربیت و نقش نهج البلاغه در آن از روش توصیفی و تحلیلی و به روش اسنادی بدست می‌آید که الگوبرداری از نهج البلاغه، پیشگیری، تذکر و یادآوری، محبت و مدارا و عبرت‌آموزی، از جمله شیوه‌های تربیتی نهج البلاغه می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: الگو برداری، تربیت، تعلیم، نهج البلاغه.

۱. طلبه سطح دو مدرسه علمیه فاطمیه اندان خمینی شهر.

مقدمه

تعلیم و تربیت فرایند انتقال و تعمیق دانش‌ها و بینش‌ها، هدایت و تقویت گرایش‌ها و شکوفا سازی استعدادها و توانایی‌های انسان در ابعاد روحی و بدنی و برای رسیدن به کمال است. کتاب نهج البلاغه برای تعلیم و تربیت ما خفتگان در منیت و خودخواهی آمده است و معجونی است برای شفا، مرهمی است برای دردهای فردی و اجتماعی و دارای ابعادی است به اندازه یک انسان در یک جامعه بزرگ انسانی.

ورود تعلیم و تربیت جدید به ایران و ظهور پیش درآمدهای اجتماعی و اقتصادی، مقتضی آموزش و پرورش نوین بوده و مشتمل بر نقد و خردگیری بر تربیت سنتی از جمله تربیت اسلام می باشد و تردیدهایی را در باب ضرورت و امکان و کاربری تعلیم و تربیت اسلامی از منظر نهج البلاغه را برانگیخت. مهم‌ترین ریشه‌های این تردید را می‌توان در غفلت از تعارض مبانی تربیت اسلامی با تربیت فناورانه، فقر بنیادین در حوزه تعلیم و تربیت و اقدامات عجولانه رفتن پدر و مادر به سمت سبک های غربی دانست. امروزه آشکارترین و روشن‌ترین حقایق اسلامی به وسیله بخشی از مدعیان اسلام نادیده گرفته شده است و شرایط مشابه شرایط حکومت دوران امیرالمومنین علی علیه السلام است. پس روز، روز نهج البلاغه است. باید از دیدگاه دقیق و نافذ امیرالمومنین به واقعیت‌های جهان و جامعه نگاه کرد و بسیاری از حقایق را دید و شناخت و علاج دردها را پیدا کرد.

در رابطه با تعلیم و تربیت، کتابها و مقالات بسیاری نوشته شده است از جمله: «تعلیم و تربیت در اسلام» نوشته شهید مرتضی مطهری که تعلیم و تربیت اسلامی را فرایندی همه جانبه می داند که هدف آن پرورش انسان مقرب الهی است. از نظر او روش های اصلی تربیت اسلامی عبارتند از: الگوبرداری از معصومان و علما. عامل پیشگیری و کنترل از دوران کودکی نیز شامل موعظه و تذکر، محبت و مدارا، عبرت آموزی، بصیرت آفرینی و تشویق و تنبیه می باشد.

«تعلیم و تربیت در نهج البلاغه» تألیف دکتر محمد علی کوشا که به صورت تطبیقی و تحلیلی شیوه‌های تربیتی برگرفته از نهج البلاغه را بررسی می کند. او با استناد به خطبه ها و نامه های امام علی (ع) روش هایی چون الگوبرداری (تاسی به پیامبر و اهل بیت)، پیشگیری و کنترل، موعظه و تذکر، محبت و عبرت آموزی و انتقال تجربه را استخراج و تبیین می کند. همچنین بر نقش عقلانیت و فطرت در تربیت اسلامی تاکید دارد.

کتاب «تربیت عقلانی در نهج البلاغه» نوشته دکتر محمد رضا بهشتی، به نقش عقل و تعقل در تربیت انسان از منظر نهج البلاغه می پردازد و نشان می دهد امام علی(ع) بر پرورش عقل، بصیرت و قدرت تحلیل در انسان تاکید دارد و تربیت را فرایندی تدریجی، عقلانی و مبتنی بر فطرت می داند.

مقاله «مبانی و اصول تعلیم و تربیت اسلامی با تاکید بر نهج البلاغه» اثر زهرا سادات طباطبایی، به بررسی مبانی، اهداف و اصول تعلیم و تربیت اسلامی با تمرکز ویژه بر آموزه های نهج البلاغه می پردازد. او بر این باور است که تعلیم و تربیت اسلامی باید هم به آموزش دانش و هم به پرورش شخصیت و اخلاق توجه کند. ایشان نیز روش های تربیتی نهج البلاغه را شامل الگو برداری، محبت و مدارا، پیشگیری و کنترل، عبرت آموزی، عفو و تغافل، تشویق و تنبیه دانسته و نقش خانواده و جامعه را در این فرایند برجسته می داند.

منابع ذکر شده هرچند به موضوع تعلیم و تربیت اسلامی و نهج البلاغه پرداخته اند اما شرایط اجتماعی، فرهنگی و تربیتی جامعه همواره در حال تغییر است. آنچه در گذشته بیان شده ممکن است پاسخگوی برخی نیاز های امروز نباشد یا نیاز به بازخوانی و تفسیر جدید داشته باشد. این مقاله می تواند آموزه های نهج البلاغه را با توجه به مسایل و چالش های تربیتی معاصر با خوانی کند و راهکارهای عملی متناسب با شرایط روز ارایه دهد.

این مقاله به بیان روش ها و راهکارهای علمی و عملی تربیت بر اساس دیدگاه های امام علی(ع) در نهج البلاغه پرداخته و در ارائه راهکارها و شیوه ها به ابعاد عاطفی و درونی انسان ها توجه بسیاری شده است. پرداختن به این نوع نگرش ها در تمام شیوه ها از جمله الگو برداری و پیشگیری، تذکر و یادآوری، محبت و مدارا، عبرت آموزی و بصیرت آفرینی و بالأخره عفو، تغافل و تشویق و تنبیه به منظور تربیت انسان، نیاز عاطفی و مقتضای فطرت انسان ها است، که از دیدگاه های گوناگون قابل بحث است. در این مقاله نیز پس از بیان مفهوم تعلیم و تربیت، روش های تعلیم و تربیت در نهج البلاغه مورد بررسی قرار می گیرد.

مفهوم تعلیم و تربیت

تعلیم از ریشه (علم) به معنای یاد دادن آموزش و انتقال دانش است.

تربیت از ریشه (ربو) به معنای رشد دادن پرورش و هدایت تدریجی فرد جهت مطلوب می‌باشد.^۱

تعلیم در اصطلاح به فرایند انتقال دانش مهارت‌ها و اطلاعات از معلم به شاگرد گفته می‌شود که بیشتر بر آموزش نظری و علمی تمرکز دارد. تربیت به فرایند شکل دهی به شخصیت اخلاق، عادات و نگرش‌های فردی اشاره دارد که نه تنها در محیط آموزشی بلکه در خانواده و جامعه نیز انجام می‌شود.

تعلیم و تربیت از دیدگاه پدران تعلیم و تربیت همچون افلاطون: تعلیم و تربیت هم بعد جسمانی و هم بعد روحانی انسان را کامل می‌کند.

ارسطو: تربیت را به سه مرحله جسمانی اخلاقی تقسیم کرده است.

ابن سینا نیز تعلیم و تربیت را فرایندی می‌داند که در آن کودک براساس فطرت خدادای خود پرورش می‌یابد.^۲

بنابراین تعلیم و تربیت فرایندی گسترده است که هم به آموزش دانش و هم به پرورش شخصیت و اخلاق فردی توجه دارد.

شیوه‌های تربیت و هدایت در نهج البلاغه

بررسی شیوه‌های تربیتی از منظر اسلامی اهمیت ویژه‌ای دارد. تربیت آن گاه به بار می‌نشیند که اصول تربیتی آن در قالب شیوه‌های درستی به اجرا در آید که در ذیل شیوه‌های تربیتی نهج‌البلاغه بیان می‌گردد.

۱- الگوبرداری از نهج‌البلاغه:

یکی از شیوه‌های تربیتی، الگوبرداری برحسب نیاز فطری انسان و همانند سازی و الگوپذیری از همان زمان کودکی است، ولی هرم این الگو هر چه مناسب‌تر و کامل‌تر باشد، آدمی را در راه رسیدن به کمال مطلوب بیشتر یاری می‌رساند. از دیدگاه امام علی (ع) تأسی به اسوه‌های حسنه، نقش مهمی در رشد و تعالی انسان‌ها ایفا می‌کند:

۱. لغت نامه دهخدا، ج ۱۶.

۲. ابوعلی سینا، تدابیرالمنازل، ص ۱۱۱، بخش تعلیم و تربیت.

«و اقتدوا بهدی نبیکم افضل الهدی و استنوا بسنته فإنها أهدى السنن»^۱

«به سیرت پیامبرتان اقتدا کنید که برترین سیرت است و به سنت او باشید که هدایت کننده‌ترین سنت‌هاست».

تاکید بر پیروی از پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) به عنوان بهترین الگوها توضیح داده می‌شود که مربیان و والدین باید پیش از توصیه به دیگران خودشان عامل به رفتار نیک باشند.

آن حضرت در جای دیگر، از تأسی و اقتدای خویش به حضرت رسول اعظم(ص) سخن می‌گوید:

«و لقد كنت اتبعه اتباع الفصيل أثر أمه يرفع لي في كل يوم من أخلاقه علماً يأمرني بالافتداء به»^۲

و من در پی او بودم، چنان که بچه شتر در پی مادر است. هر روز برای من از اخلاق خود نشانه‌ای بر پا می‌داشت و مرا به پیروی آن می‌گماشت».

امیر علم و بیان مولا علی(ع) در سخنی دیگر نقش الگوپردازی و الگوپذیری از معصومان(ع) و لزوم پیروی از ایشان را در ابعاد والای تربیتی چنین بیان می‌فرمایند:

«به خاندان پیامبرتان بنگرید، بدان سو که می‌روند، بروید و پی آنان را بگیرید که هرگز شما را از راه رستگاری بیرون نخواهند کرد و به هلاکتان باز نخواهند آورد. اگر ایستادند، بایستید و اگر برخاستند، برخیزید. بر ایشان پیشی مگیرید که گمراه می‌شوید و از آنان پس نمانید که تباه گردید».^۳

اسلام چون به نقش مهم و سازنده الگوها و اسوه‌های حسنه در تربیت افراد، واقف بوده است، به افراد ممتاز که دارای موقعیت خاص اجتماعی هستند و می‌توانند برای سایرین الگو و سرمشق باشند، سفارش می‌کند که قبلاً سیره و رفتار خودشان را اصلاح کنند؛ زیرا نقش الگودهی در تربیت در زمان غیبت بر عهده آنان است.^۴

۱. نهج البلاغه، بخش دوم خطبه ۱۱۰.

۲. نهج البلاغه، بخش ۱۶، خطبه ۱۹۲.

۳. سوره توبه، آیه ۱۰۰؛ سوره احزاب، آیه ۳۳.

۴. بهرامی، تعلیم و تربیت از دیدگاه نهج البلاغه، ص ۹۵.

«قلوب الرجال حشیه فمّن تألفها اقبلت علیه؛ دل‌های مردم وحشی (پراکنده) است. به کسی روی می‌آورند که با آنها خوش‌رویی (محبت و مدارا) کند».^{۲۱}

۵. عفو و تغافل، تنبیه و تشویق:

یکی از روش‌های تربیتی دین اسلام، تمسّک به عفو و تغافل و تنبیه و تشویق افراد است که در باب برتری هر یک از ملاک‌ها، بحث‌ها و گفتارهای بسیار وجود دارد. چون انسان جایز الخطاست و مصون از اشتباه و خطا نیست، اگر در مسیر دچار سهوی شود، نباید چنان مورد عقاب و خطاب قرار گیرد که از ادامه راه بازماند و از خود باوری و اعتماد به نفس فاصله بگیرد. اما باید در مسیر تربیت فرزندان در خانواده‌ها و افراد در جامعه، معیار و میزان تنبیه و تشویق به خوبی شناخته و مراعات شود؛ چنان که ائمه اطهار(ع) با شناختی که از نهاد افراد و قابلیت‌هایشان داشتند، به این مهم یعنی تقدم عفو و تشویق بر تنبیه و مجازات مبادرت می‌ورزیدند. امام علی(ع) در دستگاه عدالت خود هر دوی آنها یعنی مهر و قهر، و شمشیر تیز عدالت و زبان رأفتش را نیز در جای مناسب به کار می‌بست. در عین حال در مسیر تربیت و پرورش فکری و اخلاقی افراد، به سان پیامبر اعظم(ص) از حقوق خود و جسارت‌های افراد در اوج قدرت می‌گذشت و ناسزای معاندان جاهل را به جای اینکه به محکمه قضاوت بکشاند، با خود به مسجد می‌برد و صمیمانه از خدا برای چنین افرادی طلب مغفرت، و برای هدایت ایشان دعا می‌کرد. آن حضرت برای بیداری و هوشیاری مربیان در مسیر تربیت افراد، خطاب به امام حسن مجتبی(ع) می‌فرماید:

« پس اگر یکی از شما مرتکب خطایی شد، عفو و تغافل همراه با توازن و به تناسب خطا، از تنبیه و زدن فرد - البته برای کسی که عاقل است - بهتر و برتر است»^۳

البته آن حضرت برای تعدیل در برخوردها با این اعتقاد که گاهی، بخشیدن یک فرد تبه‌کار برای فرد و جامعه مضر و فساد آور است، به تعیین حدود و مرزهای تشویق و تنبیه مترتبان پرداخته، فرمودند: «نباید نیکوکار و بدکار نزد تو به یک پایه باشند که آن، نیکوکاران را در نیکویی بی‌رغبت سازد و بدکاران را به بدی کردن وا می‌دارد. پس هر یک از ایشان را به آنچه عمل کرده است، جزا بده»

۱. همان، نامه ۳۱.

۲. بهرامی، تعلیم و تربیت از دیدگاه نهج البلاغه، ص ۱۳۰؛ جوادی املی، تحلیل نامه ۳۱ نهج البلاغه، ص ۲۶۰.

۳. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

نکته شایان توجه دیگر در این روش آن است که حضرت علی(ع) بر اساس کرامتی که برای انسان‌ها قائل بودند، همواره تأکید می‌کردند که با انسان خطاکار در مرحله اول از روی رأفت و کرامت رفتار کنید و به منظور بیداری و تحرک انسان‌ها بر اساس همان غیرت و روح کرامتش وارد عمل شوید؛ چنان که خود در خطاب به تمام وجدان‌های خفته می‌فرماید:

«بزرگوارتر از آن باش که به پستی دنیا تن دهی؛ هر چند تو را به مقصود برساند؛ زیرا نمی‌توانی در برابر آنچه از شخصیت خود که در این راه از دست می‌دهی، جایگزینی به دست آوری. بنده دیگری مباش؛ در حالی که خدایت آزاد آفریده است».^۱

به راستی، خداوند برای حفظ کرامت انسان‌ها، آنان را از هر گونه هدف و روشی که به کرامتش لطمه بخورد، بازداشته و از این رو، می‌بینیم که حضرت علی(ع) بدین طریق به افراد منزلت می‌بخشید و آنها را با اعتماد به نفس و مسئولیت‌پذیری به تربیت خودشان وامی‌داشت تا ضمن حفظ عزت و کرامت خود، به سراغ تخلّفی نروند و به عجز کشیده نشوند؛ بلکه متوجه شخصیت کریمانه خویش باشند و در سایه‌سار آن از پستی‌های گناه به بلندای قلّه تقوا پناه آورند.

نتیجه:

تعلیم و تربیت از منظر نهج البلاغه وسیله‌ای برای هدایت انسان به سوی سعادت دنیوی و اخروی است.

در تفکر غربی تعلیم و تربیت بیشتر بر رشد عقلانی مهارت‌های اجتماعی و توانمندی‌های علمی و عملی تأکید دارد. آموزش، آماده‌سازی برای زندگی نیست خود زندگی است. نهج البلاغه بر تعلیم و تربیت اخلاقی و معنوی همراه با علم تأکید دارد. تعلیم و تربیت غربی بیشتر بر مهارت‌های علمی و اجتماعی تمرکز دارد. هر دو دیدگاه به اهمیت آموزش تأکید دارند اما جهت‌گیری آنها متفاوت است. یکی بر رشد معنویت انسانی و دیگری بر پیشرفت‌های اجتماعی و علمی.

اگر هدف صرفاً پیشرفت علمی و رفاه مادی باشد تعلیم و تربیت غربی تاثیر بیشتری دارد. اما اگر هدف رشد همه جانبه انسان (علمی، معنوی، اخلاقی، اجتماعی) باشد، تعلیم و تربیت مبتنی بر

۱. طباطبایی، شیوه‌های تربیتی امام علی(ع) در نهج البلاغه، ص ۱۲۵؛ مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۴۵ تا ۷۵.

نهج‌البلاغه اثر عمیق‌تر و پایدارتر دارد. ترکیب این دو دیدگاه (علم همراه با اخلاق و معنویت) می‌تواند بهترین نتیجه را برای جوامع انسانی به همراه داشته باشد.

هر یک از روش‌های مذکور در تعلیم و تربیت اسلامی برای هر فردی تعریف و جایگاه خاصی می‌یابد که خداوند متعال و پیامبر اعظم(ص) و ائمه هدی(ع) همه این روش‌ها و راه‌ها را در مقام بیان و عمل به ما نشان داده‌اند.

چگونگی تطبیق شرایط و مقتضیات افراد به تناسب شاخصه‌های مذکور و نیازمند درک ظرفیت‌ها در افراد است و فهم این امر بر عهده مربیان از جمله پدر، مادر و معلم است که بر اساس توانایی و درایت خاص، با شناخت توانایی‌های افراد و متناسب با محورهای عملی راه کارهای بیان شده، وارد عرصه عمل می‌شوند.

در کاربرد روش‌ها در مسیر تربیت اسلامی، حتماً باید به مسئله کرامت و شخصیت انسان‌ها توجه و تعدیل در برخوردها اعمال شود.

با استفاده از نهج‌البلاغه‌بدست می‌آید که استفاده از تجربه‌های تاریخی و سرگذشت دیگران برای بصیرت‌آفرینی و جلوگیری از تکرار خطاها مؤثر است و عبرت، کلید بصیرت و عامل انتقال تجربه است. و امام علی(ع) نیز بارها فرزندش را به عبرت گرفتن از تاریخ و زندگی گذشتگان توصیه می‌کند.

روش‌های تعلیم و تربیت در نهج‌البلاغه عبارتند از: الگو سازی و اسوه سازی، پیشگیری و کنترل و درمان، موعظه و تذکر، محبت و مدارا، عفو و تغافل و تنبیه و تشویق که برای تکمیل فرایند تربیت فرزندان و ایجاد انگیزه در متربیان جهت تربیت اسلامی بکار گرفته شود.

فهرست منابع

*قرآن کریم، ترجمه سید محمدحسین طباطبائی.

۱. آقازاده، علی، مبانی و اصول تعلیم و تربیت اسلامی با تاکید بر نهج‌البلاغه، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۵.

۲. آمدی، ابوالفتح، غررالحکم، ج ۱، تهران: دارالکتاب الاسلامی، ۱۳۵۴.

۳. بهرامی، محمد رضا، تعلیم و تربیت از دیدگاه نهج البلاغه، قم: انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۹۳.
۴. بهشتی، محمدرضا، تربیت عقلانی در نهج البلاغه، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹.
۵. جوادی املی، عبدالله، تفسیر موضوعی نهج البلاغه، ج دوم (تعلیم و تربیت)، قم: انتشارات اسرا، ۱۳۹۶.
۶. حجتی، محمد باقر، نهج البلاغه و تربیت اجتماعی، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۴.
۷. سر گلزایی، محمد رضا، تعلیم و تربیت از دیدگاه نهج البلاغه، قم: انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۹.
۸. شرفی، غلامرضا، تعلیم و تربیت از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۴۰۱.
۹. شریعتمداری، علی، مبانی تعلیم و تربیت اسلامی (مجموعه مقالات)، تهران: انتشارات قلم، ۱۳۹۰.
۱۰. قایمی، علی، مبانی تعلیم و تربیت اسلامی، قم: انتشارات بوستان، ۱۳۹۰.
۱۱. کوشا، محمدعلی، تعلیم و تربیت در نهج البلاغه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.
۱۲. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۲۳، حدیث ۱۲، چهارم، تهران، موسسه انتشارات کتاب نشر، ۱۳۹۲.
۱۳. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۹۹.
۱۴. مظاهری، حسین، اخلاق تربیتی در نهج البلاغه، قم: انتشارات دارالعلم، ۱۳۸۸.
۱۵. طباطبایی، سادات زهرا، «شیوه های تربیتی امام علی (ع) در نهج البلاغه»، ۱۳۶۷، نشریه پژوهشنامه معارف اسلامی.

